(با فتوای غلط شان) او را کشتند، خدا آنها را بکشد. چرا وقتی نمی دانستند، سؤال نکردند؟ تنها شفای نادانی، پرسش است. کافی بود که تیمم کند و پارچه ای بر محل زخم خویش ببندد، سپس برآن مسح کند و سایر بدنش را بشوید.

از جابر رضی الله عنه روایت است که می گوید: به قصد سفری خارج شدیم، در راه سنگی به سر یکی از همراهان ما خورده و سرش را زخمی کرد، سپس آن مرد احتلام شد و از دوستانش پرسید: آیا به نظر شما با وضع و حالی که دارم، می توانم تیمم کنم؟ گفتند: درحالی که می توانی با آب غسل کنی (و آب نیز در دسترس است) رخصتی برای شما در تیمم و رها کردن آب نمی یابیم. پس آن مرد غسل کرد (و بر اثر جراحت سر و استفاده نمودن از آب، بیماری اش شدت یافت) و مرد. وقتی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتیم، ایشان را در جریان این مساله قرار دادند که رسول الله صلی الله علیه وسلم (با ناراحتی) فرمود: «قَتَلُوه، قَتَلَهم اللَّهُ؛ أَلاَّ سألوا إِذا لم يعلَموا! فإِنما شِفاءُ العِيِّ السُّؤالُ، إِنما كانَ يكْفيهِ أن يَتَيمَّمَ، ويَعْصِر - أو يَعْصِب - على جُرحِه خِرقةً، ثمَّ يَمْسَحَ عَلَيها، وَيَغسِلَ سائِرَ جَسَدِهِ»: «(با فتوای غلط شان) او را کشتند، خدا آنها را بکشد. چرا وقتی نمی دانستند، سؤال نکردند؟ تنها شفای نادانی، پرسش است. کافی بود که تیمم کند و پارچه ای بر محل زخم خویش ببندد، سپس برآن مسح کند و سایر بدنش را بشوید».

[حسن لغیره است] [به روایت ابوداوود]

جابر رضی الله عنه خبر می دهد که آنها به سفری رفتند، در راه سنگی به سر یکی از دوستان شان برخورد نموده و سرش را زخمی کرد، همین شخص چندی بعد احتلام شد و از دوستانش پرسید: آیا می توانم به جای شستن آن عضو، تیمم کنم؟ "آنها در پاسخ گفتند: تا زمانی که آب هست و می توانی از آن استفاده کنی، برایت چنین اجازه و رخصتی را نمی بینیم" یعنی: در این حالت که آب نیز موجود است، تیمم جایز نیست، بلکه اجازه ی تیمم برای کسی است که آب ندارد، اما با وجود آب، چنین اجازه و رخصتی وجود ندارد. پس آن مرد غسل کرد و آب در زخمش اثر نمود و فوت شد. وقتی به مدینه آمدند داستان را برای رسول الله صلی الله علیه وسلم بازگو نمودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را سرزنش نموده و فرمود: «او را کشتند، الله آنها را بکشد»؛ زیرا آنها با فتوای نادرست خود سبب مرگ آن مرد شدند. «چرا وقتی نمی دانستند، سؤال نکردند؟»؛ یعنی: بر آنان واجب بود در این رابطه سؤال کنند و در فتوا دادن عجله نکنند؛ زیرا این کار به دیگران آسیب می رساند؛ و همین گونه هم شد. «زیرا شفای نادانی، پرسش است»؛ "العی" به معنی جهل و نادانی است. و به این معناست که چرا وقتی نمی دانستند، سؤال نکردند، زیرا شفای جهل، سؤال کردن است؛ بنابراین چون کسی حکم شرعی را نمی داند، شفای این جهل سؤال کردن است، نه دادن فتوایی که به آسیب دیدن یا هلاکت مردم بینجامد. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم حکم شرعی این مسئله را بیان نموده و فرمودند: «کافی بود که تیمم کند و پارچه ای بر محل زخم خویش ببندد، سپس بر آن مسح کند و سایر بدنش را بشوید». این کاری بود که باید انجام می داد و این کار با اصول شریعت موافق است، اما ملزم نمودن وی به غسل کردن - درحالی که این کار باعث آسیب بدنی، هلاکت یا درمان دیرترش می شود - مخالف اصول شریعت است. از این رو: فرد زخمی می تواند تمام بدنش، جز موضع آسیب دیده را با آب بشوید و بر دستمال یا پارچه ای که محل آسیب دیده را با آن بسته، مسح کند. اما کسی که جبیره بسته نمی تواند تیمم نماید و تیمم زدن برای چنین فردی درست نیست؛ زیرا ایجاب دو طهارت برای یک عضو، مخالف قواعد شریعت است.